



آینه‌د شیرافکن

«**علی مطهری**» آن‌طور که خودش می‌گوید، تغییر نکرده، نه مواضع و نه ایده‌هایش. آنچه تغییر کرده، شاید فقط ظهور گروهی به نام اصولگرا در قدرت و کارنامه ضعیف آن‌فرزند شهید مطهری را به جای رسانده که تاکید می‌کند «وضاع فرهنگی این روزها نسبت به دوران خاتمی لیبرال تر شده و نقد ما به خاتمی بیشتر در حوزه فرهنگ بود، حالا که این‌طور است، خود خاتمی می‌تواند نامزد بعدی ریاست‌جمهوری شود، چون اصولگرایان هم آن‌طور که ما فکر می‌کردیم، کارشان را درست انجام ندادند. البته آقای خاتمی امروز پخته‌تر است.» نام علی مطهری در دوران اصلاحات به‌عنوان منتقدی سرسخت به ذهن متبادر می‌شد. نویسنده‌ای که مقاله «صدای ایستاد می‌آید» را در «کیهان» نوشت و از چپ و راست نقدهای جانانه‌ی بر جریان اصلاح‌طلبی نوشت. حتی روزی به شورای نگهبان تهنیت زد که چرا در درصالحات‌ها تساهل به خرج می‌دهد. اما او به یزدیندر یا نیندیزد، به گذر زمان و تاریخ یک دهه اخیر ایران تقصیر کرد؟ حالا با علایت بیشتری از گذار کشور به توسعه و پیشرفت سخن می‌گوید. نسبت علی مطهری با کیهان آن‌طور که خودش روایت می‌کند، تنها محدود به ارسال مطلب بوده، مطالبی که گاه به گاه، گزافه‌نگارانه روزنامه‌ی خوش نیاوده و از انتشار آن خودداری می‌کرده. نمونه‌اش هم مقاله‌ی در تقدیر از پیگیری دولت خاتمی برای مقابله با فتنه‌های زنجیرهای است که هیچ‌گاه در کیهان منتشر نشد.

کا علی مطهری این سال‌ها با علی مطهری اسال‌های یکجا متفاوتی کرده؟ دست‌کم در این یک‌دهه که به لحاظ فکری از یک حرکت کرده‌اید و به کجا رسیدید و آیا اصولاً لای به تغییر هستید؟ خیر، قابل به تغییر نیستیم. من همان دره قلبی هستم، ضمن اینکه تغییر در روش و نوع رفتار در افراد می‌تواند مثبتی بوده و بد نباشد. گاهی افرادی بر حسب تغییر شرایط جامعه، تغییرات در روش پیدا می‌کنند. حالا منظور شما از تغییر تغییر چیست؟

کا منظورم خط فکری شماست؟ اینکه شما در این سال‌ها به چه افرادی نزدیک‌تر بوده‌اید و از چه افرادی دورتر شده‌اید. بیشتر تغییر در مختصات اندیشه سیاسی‌تان منظر است.

این‌طور احساس می‌کنم که یک سلسله اصول ثابت دارم و تلاش می‌کنم که به آنها پایبند باشم؛ ولی به‌طور جدیدی که برای من است طول چند سال اخیر و تجربه دوران نمایندگی روشن شده، این است که کاستی‌های زیادی در جریان نمایندگی وجود دارد. همان‌طور که می‌دانید، در دوران اصلاحات من یکی از افرادی بودم که بیشترین انتقادها را به جریان اصلاحات و شخصی آقای خاتمی داشتم؛ انتقاداتی که حوزه فرهنگ و گاهی هم سیاست خارجی.

کا یعنی برداشتن از اصولگرایان در سال تغییر کرده؟

بله، اصولگرایان تا آن موقع چنین در قضاوت خنجر بیندند و ابعاد پیدا و پنهان خود را نشان نده بودند. ما پس از حضور اصولگرایان در قدرت احساس کردم که فضای قیل‌تولج‌ها در بیش، رفتار و عملکرد اصولگرایان وجود دارد.

کا یعنی حضورتان در مجلس، رویکردتان به مسایل سیاسی را واقع‌گرایانه‌تر کرد؟

بله درست همین‌طور است. پس از ورود به مجلس انتقاداتی به



دختر کوچک استاد مطهری و تدریس در دانشگاه الزهرا

دختر کوچک استاد مطهری

و تدریس در دانشگاه الزهرا

وحیده مطهری، استادار زینل و ادیبان بست و رسلان روزها در دانشگاه الزهرا مشغول تدریس است و هر ازچندگاهی هم درباره رشته مربوطه و با موضوع‌های مرتبط با آن سخنرانی می‌کند. دختر شهید مطهری چندی پیش در مراسمی درباره پدرش گفته بود که «فهم و «حصول نیت» را او بزرگی بارز شهید مطهری می‌بخشد استاد شهید در پی مقام شهرت و تحریب کسی نبود و ازاین‌رو با کسب علم و مطالعه عمیق، نوست اثر جامع‌الافراد و موزی را از خود به‌جا نگذا رد. استاد مطهری اهل تشویق کثرت و از این علم برای تربیت فرزندان نیز بهره می‌برد و به‌طور مهربان داشت و همواره به احترام متقابل در خانواده زندگی می‌کرد. دخترش می‌گوید که بتواند هم شایسته معلم و هم لقب شهید باشد در وجودی نابور کرد که آن سال هم‌قد آن استاد مطهری در سن ۵۵سالگی به دنیا آمد. ۷۲ ساعت ۱۱۴۵ دقیقه هرگز منزل «فکر سخایی» برای شرکت در جلسه‌ای که حادته ترور به‌وقوع پیوست.»

دولت و برخی هم‌کارانم در مجلس و به‌طور کلی جریان اصولگرای مطرح کردم. به همین جهت، شاید این رفتار به نظر تغییر در افکار و رفتار پایید اما من نظر من این‌طور نیست و من همان مبانی و اصول ثابت را داشتم و عملکرد اصولگرایان در چند سال اخیر و ظهور یافته و تبع، رای و دیدگاه من نسبت به آنها تغییر یافته است.

کا خوب به هر حال این‌طور که شما می‌گویید تغییر در اندیشه سیاسی شما حاصل شده، حالا اینکه ساختار تغییر کرده یا فرد، خیلی مهم نیست، مهم تغییر است.

البته این‌جور که شما می‌فرمایید، این همان تغییر است، نه این‌طور نیست، چون حقایق جدیدی برای من آشکار شده و اصولگرایان رفتارهایی داشتند که معیار یا ادعای پیشین بسوده و از جالب من دوست‌ناقل و نقد است. شاید تغییر فضای سیاسی و ظهور حقایقی موجب شده از منتقد جریان اصلاحات به منتقد جریان اصولگرای تبدیل شود. اما تاکیاد دارم که من با همان معیارهای ثابت خود انتقاد می‌کنم و تغییر نکرده‌ام.

کا روزگاری خطه هاشمی؟ روزنامه «انتخاب» بنا داشت تا «جریان سوسو» که در کشور را بیندازد که نه چپ است و نه راست، شما همیشه می‌گویید که نه چپ هستید و نه راست، شاید شما هم می‌خواهید جریان سوم باشید.

به باور من ظهور «جریان سوم» تا همین حالا هم در کشور محقق

شده است، اگرچه الان رسماً جریانی به عنوان «جریان سوم» اعلام موجودیت کرده. این تفکر و خطمشی در جامعه مرداب‌دلیل واقع شود **کا پس با این حساب فهرست «صدای ملت» در آستانه انتخابات مجلس نهم، نوعی شکل دادن به همان «جریان سوم» بود؟**

بله، درست است. در آستانه مجلس نهم که فهرست «صدای ملت» را ازایه کردیم، نوعی نگاه و روش میانه مدنظرمان بود. در طول دو، سه سال اخیر به نظر من جریان فکری و سیاسی «جریان سوم» در عمل وجود داشته است. جریانی که بر برداشت درست از اصل ولایت فقیه و ازادگی‌های و دفاع از حقوق شهروندی، نظارت بر امور فرهنگی تاکید داشته است.

کا اما خوب سرنوشت «صدای ملت» را هم دیدیم، فکر نمی‌کنید که فضای سیاسی خیلی بی‌ثباتی این جریان سوم نیست؟

به هر شکل این‌جور جریان جدید فکری و سیاسی کار مشکلی است.

این دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرای در جامعه ما نهانیده شده و هر کدام پشت‌ونه‌های دارند.

کا یعنی برای پایه‌گذاری چنین جریانی ایده خاصی دارید؟ چه‌بسا همین جریان سوم هم روزی از مسیر اصلی‌اش منحرف شود.

تولید «جریان سوم» به منبع انسدادی، مالی و سرمایه اجتماعی

نیست. همین حالا ایران‌دانشجو در سمت‌های ریاست دانشگاه آزاد، وزارت و نمایندگی شورای شهر حضور دارند، هیچ‌گاه در این زمینه روشنگری کردید؟

صرف ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت نمی‌تواند مورد ایراد باشد، بلکه شاید در یک خانواده‌ای فکر جفر افراد توانمند و شایسته باشند. اشکالی ندار که از اینجا استفاده شود.

کا شما بارها در مقالات سال‌های روز به لزوم دوری روحانیون از قدرت اشاره می‌کردید. این اتفاق امروز چه میزان محقق شده است؟

نمی‌دانم چنین عنوانی را استفاده کرده‌ام یا نه.

کا البته من از روی مقاله شما می‌خوانم؛ یک‌گاه هم گفته بودید که ضرورتی ندارد بعد از جنگ دیگر فرد روحانی مسئولیت‌ها قبول شود. روزی هم اشاره داشتید که رفته رفته بودید مردم علیه جنجال پدران و آقای هاشمی هم بودند و ایشان درباره موضوع عدم حضور روحانیان باید تصمیم می‌گرفتند. اما مناییم و صحنه را ترک کنیم، امثال مطالبی که گفتاه هم برنگرفته اند. تفکر شهید مطهری است، استقلال روحانیت شیعه باید حفظ شود. نقطه قوت روحانیت شیعه این بوده که همیشه مستقل از دولت‌ها بودند. الان همیشه نهفت‌های اجتماعی را شکل داده و شاید شهید مطهری هم بر استقلال روحانیت است این امتیاز روحانیت شیعه باید حفظ شود و دولتی نشود. قدرت در دولت متمرکز شده و به یک اعتبار در مفهوم علمه ولت در برابر مردم قرار می‌گیرد. اما روحانیت باید کنار مردم باشد تا نقد خود را راحت نقد کند. البته شرایط اضطراری متفاوت است.

کا چرا با وجود اینکه امام‌ره) و پدران در برهمه‌ای از تاریخ بعد از انقلاب باوجود حضور روحانیان در قدرت‌های اجرایی کشور بودیم؟ بله، نظر امام خمین روح و روحانیت وارد قدرت اجرایی نشود. اما آقای «هزارگان» آزمایش خوبی ندادند و نتوانستند خودشان را با اسام هماهنگ کنند. تجربه منی «صنیع» هم تجربه خوبی نبود. بعد از تجربه ناموفق افراد غیرروحانی این ایده به میان آمد. که حالا بهتر است افراد روحانی وارد شوند و بعد یک‌دم وارد شدند و متأسفانه ما در دوره «احمدی‌نار» رئیس‌جمهور غیرواحی‌اشتم که نه تجربه

موفقیت داشت.

کا دوجاره بر کردیم به نوشته‌های قلم‌تان در کیهان، یکبار «مصطفی تاجزاده» در نامه‌ی به شما نوشته بود که آنها اخیراً

جانبانی را برای حضور در روزنامه کیهان تحریک می‌کنند و در روزنامه خود برای دفع نفی اصلاحات و شعار علیه رئیس‌جمهور،

این روزنامه را در اختیار شما قرار داده‌اند که شما هم به پاسخ به ایشان گفته بودید که فضا را تنگ نکرده است. از نگاه علی مطهری

این‌طور نبود که آنها بخواهند تنگ کنند. من خودم مطالب را برای کیهان و دیگر روزنامه‌ها می‌فرستادم.

کا خوب آیا آن سال‌ها اصراری داشتید که مطلبتان در کیهان چاپ

محابت می‌کنید. اما مرور موقع‌گیری‌های پیشین شما نشان می‌دهد که پیش از این چندان تمایلی به حضور هاشمی‌فرستاجی در قدرت نداشتید. جایی هم گفته بودید که اگر هاشمی بیاید بهتر است، با این استدلال که اکثر فرزندان ایشان در مدارس و پست‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند.

سال ۸۴ به

بله، آن موقع آقای بابایی، نماینده قم در مجلس هشتم به واکنش نشان دادند.

کا خوب چرا این‌طور می‌پنطری برخلاف نقدهای صریح به آیت‌الله هاشمی، امروز او را می‌خواهید به کارزار انتخاباتی وارد شود و

دست چهارسالی سنگسار این میدان باشد؟

کا یعنی بر مواضعتان درباره مسائل خانوادگی آقای هاشمی هم استوار هستید؟ اینکه فرزندان‌شان را در قدرت قرار داده‌اند، اگر خاطراتن باشند، این سخنان موجب شد تا مهدی خزعلی و قدیری‌ایانه، سفیر ایران را ایتالیا در نامه‌ای شما را خطاب قرار داده و از شما بخواند که اگر سه‌ساله و مستنداتی درباره مسایل مالی برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۴ بر اساس تری که شهیدمطهری مطرح کردند که نظریه امام خمینی (ره) هم همین بود، در نامه‌ی تاکید کردم که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

اگر مستنداتی از مسایل مالی آقای هاشمی در دست دارید، منتشر کنید.

من چنین ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت صحبتی نکردم. منظور این بود که ایشان فرزندان‌شان را در پست‌های

اقتصادی قرار دهند؛ چراکه این امر باعث بدبینی و شایعه‌پراکنی می‌شود و منصفان این اق را که از «وضاع نهمت بره‌بریزید» است.

کا اما فاضل سالاری را انتصاب‌های فاضلی در کشور ما یکی، دو تا نیست، همین حالا ایران‌دانشجو در سمت‌های ریاست دانشگاه آزاد، وزارت و نمایندگی شورای شهر حضور دارند، هیچ‌گاه در این زمینه روشنگری کردید؟

صرف ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت نمی‌تواند مورد ایراد باشد، بلکه شاید در یک خانواده‌ای فکر جفر افراد توانمند و شایسته باشند. اشکالی ندار که از اینجا استفاده شود.

کا شما بارها در مقالات سال‌های روز به لزوم دوری روحانیون از قدرت اشاره می‌کردید. این اتفاق امروز چه میزان محقق شده است؟

نمی‌دانم چنین عنوانی را استفاده کرده‌ام یا نه.

کا البته من از روی مقاله شما می‌خوانم؛ یک‌گاه هم گفته بودید که ضرورتی ندارد بعد از جنگ دیگر فرد روحانی مسئولیت‌ها قبول شود. روزی هم اشاره داشتید که رفته رفته بودید مردم علیه جنجال پدران و آقای هاشمی هم بودند و ایشان درباره موضوع عدم حضور روحانیان باید تصمیم می‌گرفتند. اما مناییم و صحنه را ترک کنیم، امثال مطالبی که گفتاه هم برنگرفته اند. تفکر شهید مطهری است، استقلال روحانیت شیعه باید حفظ شود. نقطه قوت روحانیت شیعه این بوده که همیشه مستقل از دولت‌ها بودند. الان همیشه نهفت‌های اجتماعی را شکل داده و شاید شهید مطهری هم بر استقلال روحانیت است این امتیاز روحانیت شیعه باید حفظ شود و دولتی نشود. قدرت در دولت متمرکز شده و به یک اعتبار در مفهوم علمه ولت در برابر مردم قرار می‌گیرد. اما روحانیت باید کنار مردم باشد تا نقد خود را راحت نقد کند. البته شرایط اضطراری متفاوت است.

کا چرا با وجود اینکه امام‌ره) و پدران در برهمه‌ای از تاریخ بعد از انقلاب باوجود حضور روحانیان در قدرت‌های اجرایی کشور بودیم؟ بله، نظر امام خمین روح و روحانیت وارد قدرت اجرایی نشود. اما آقای «هزارگان» آزمایش خوبی ندادند و نتوانستند خودشان را با اسام هماهنگ کنند. تجربه منی «صنیع» هم تجربه خوبی نبود. بعد از تجربه ناموفق افراد غیرروحانی این ایده به میان آمد. که حالا بهتر است افراد روحانی وارد شوند و بعد یک‌دم وارد شدند و متأسفانه ما در دوره «احمدی‌نار» رئیس‌جمهور غیرواحی‌اشتم که نه تجربه

موفقیت داشت.

کا دوجاره بر کردیم به نوشته‌های قلم‌تان در کیهان، یکبار «مصطفی تاجزاده» در نامه‌ی به شما نوشته بود که آنها اخیراً

جانبانی را برای حضور در روزنامه کیهان تحریک می‌کنند و در روزنامه خود برای دفع نفی اصلاحات و شعار علیه رئیس‌جمهور،

این روزنامه را در اختیار شما قرار داده‌اند که شما هم به پاسخ به ایشان گفته بودید که فضا را تنگ نکرده است. از نگاه علی مطهری

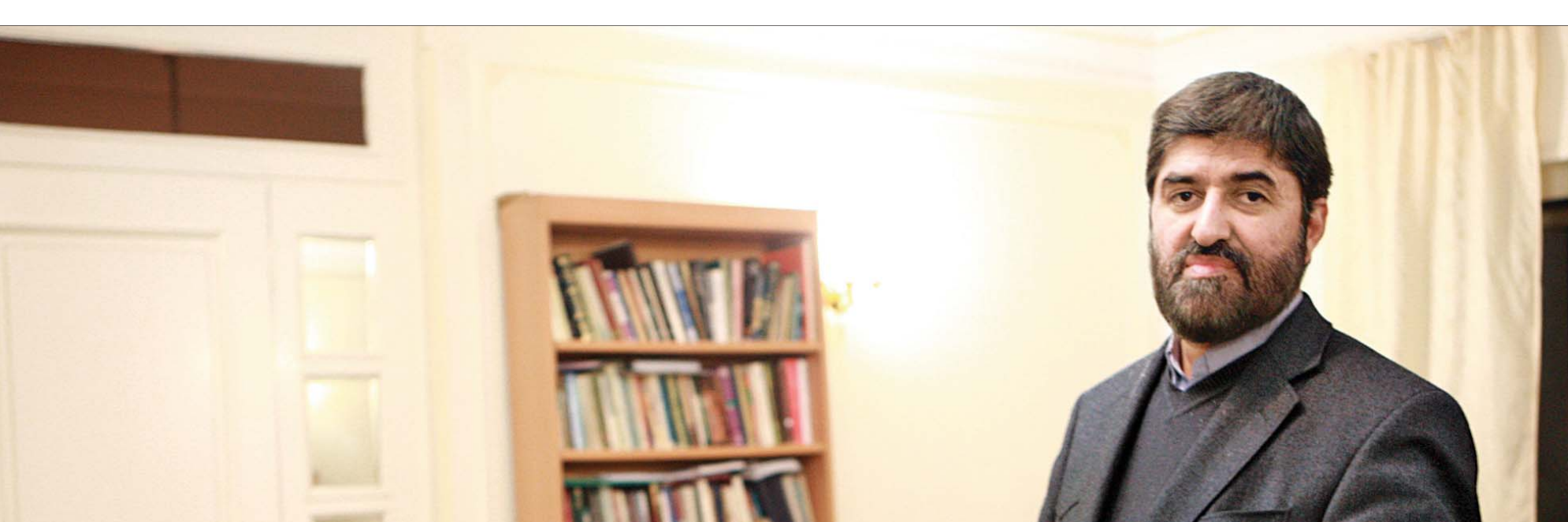
این‌طور نبود که آنها بخواهند تنگ کنند. من خودم مطالب را برای کیهان و دیگر روزنامه‌ها می‌فرستادم.

کا خوب آیا آن سال‌ها اصراری داشتید که مطلبتان در کیهان چاپ

سیاست

گفت‌وگوی «شرق» با علی مطهری پیرامون یک‌دهه تغییر و تحول

خاتمی پخته‌تر شده، هاشمی انتقادپذیر تر



علی‌اکبر شهید مطهری

تاکید کردند که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

اگر مستنداتی از مسایل مالی آقای هاشمی در دست دارید، منتشر کنید.

من چنین ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت صحبتی نکردم. منظور این بود که ایشان فرزندان‌شان را در پست‌های

اقتصادی قرار دهند؛ چراکه این امر باعث بدبینی و شایعه‌پراکنی می‌شود و منصفان این اق را که از «وضاع نهمت بره‌بریزید» است.

کا اما فاضل سالاری را انتصاب‌های فاضلی در کشور ما یکی، دو تا نیست، همین حالا ایران‌دانشجو در سمت‌های ریاست دانشگاه آزاد، وزارت و نمایندگی شورای شهر حضور دارند، هیچ‌گاه در این زمینه روشنگری کردید؟

صرف ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت نمی‌تواند مورد ایراد باشد، بلکه شاید در یک خانواده‌ای فکر جفر افراد توانمند و شایسته باشند. اشکالی ندار که از اینجا استفاده شود.

کا شما بارها در مقالات سال‌های روز به لزوم دوری روحانیون از قدرت اشاره می‌کردید. این اتفاق امروز چه میزان محقق شده است؟

نمی‌دانم چنین عنوانی را استفاده کرده‌ام یا نه.

کا البته من از روی مقاله شما می‌خوانم؛ یک‌گاه هم گفته بودید که ضرورتی ندارد بعد از جنگ دیگر فرد روحانی مسئولیت‌ها قبول شود. روزی هم اشاره داشتید که رفته رفته بودید مردم علیه جنجال پدران و آقای هاشمی هم بودند و ایشان درباره موضوع عدم حضور روحانیان باید تصمیم می‌گرفتند. اما مناییم و صحنه را ترک کنیم، امثال مطالبی که گفتاه هم برنگرفته اند. تفکر شهید مطهری است، استقلال روحانیت شیعه باید حفظ شود. نقطه قوت روحانیت شیعه این بوده که همیشه مستقل از دولت‌ها بودند. الان همیشه نهفت‌های اجتماعی را شکل داده و شاید شهید مطهری هم بر استقلال روحانیت است این امتیاز روحانیت شیعه باید حفظ شود و دولتی نشود. قدرت در دولت متمرکز شده و به یک اعتبار در مفهوم علمه ولت در برابر مردم قرار می‌گیرد. اما روحانیت باید کنار مردم باشد تا نقد خود را راحت نقد کند. البته شرایط اضطراری متفاوت است.

کا چرا با وجود اینکه امام‌ره) و پدران در برهمه‌ای از تاریخ بعد از انقلاب باوجود حضور روحانیان در قدرت‌های اجرایی کشور بودیم؟ بله، نظر امام خمین روح و روحانیت وارد قدرت اجرایی نشود. اما آقای «هزارگان» آزمایش خوبی ندادند و نتوانستند خودشان را با اسام هماهنگ کنند. تجربه منی «صنیع» هم تجربه خوبی نبود. بعد از تجربه ناموفق افراد غیرروحانی این ایده به میان آمد. که حالا بهتر است افراد روحانی وارد شوند و بعد یک‌دم وارد شدند و متأسفانه ما در دوره «احمدی‌نار» رئیس‌جمهور غیرواحی‌اشتم که نه تجربه

موفقیت داشت.

کا دوجاره بر کردیم به نوشته‌های قلم‌تان در کیهان، یکبار «مصطفی تاجزاده» در نامه‌ی به شما نوشته بود که آنها اخیراً

جانبانی را برای حضور در روزنامه کیهان تحریک می‌کنند و در روزنامه خود برای دفع نفی اصلاحات و شعار علیه رئیس‌جمهور،

این روزنامه را در اختیار شما قرار داده‌اند که شما هم به پاسخ به ایشان گفته بودید که فضا را تنگ نکرده است. از نگاه علی مطهری

این‌طور نبود که آنها بخواهند تنگ کنند. من خودم مطالب را برای کیهان و دیگر روزنامه‌ها می‌فرستادم.

کا خوب آیا آن سال‌ها اصراری داشتید که مطلبتان در کیهان چاپ

محابت می‌کنید. اما مرور موقع‌گیری‌های پیشین شما نشان می‌دهد که پیش از این چندان تمایلی به حضور هاشمی‌فرستاجی در قدرت نداشتید. جایی هم گفته بودید که اگر هاشمی بیاید بهتر است، با این استدلال که اکثر فرزندان ایشان در مدارس و پست‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند.

سال ۸۴ به

بله، آن موقع آقای بابایی، نماینده قم در مجلس هشتم به واکنش نشان دادند.

کا خوب چرا این‌طور می‌پنطری برخلاف نقدهای صریح به آیت‌الله هاشمی، امروز او را می‌خواهید به کارزار انتخاباتی وارد شود و

دست چهارسالی سنگسار این میدان باشد؟

کا یعنی بر مواضعتان درباره مسائل خانوادگی آقای هاشمی هم استوار هستید؟ اینکه فرزندان‌شان را در قدرت قرار داده‌اند، اگر خاطراتن باشند، این سخنان موجب شد تا مهدی خزعلی و قدیری‌ایانه، سفیر ایران را ایتالیا در نامه‌ای شما را خطاب قرار داده و از شما بخواند که اگر سه‌ساله و مستنداتی درباره مسایل مالی برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۴ بر اساس تری که شهیدمطهری مطرح کردند که نظریه امام خمینی (ره) هم همین بود، در نامه‌ی تاکید کردم که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

اگر مستنداتی از مسایل مالی آقای هاشمی در دست دارید، منتشر کنید.

من چنین ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت صحبتی نکردم. منظور این بود که ایشان فرزندان‌شان را در پست‌های

اقتصادی قرار دهند؛ چراکه این امر باعث بدبینی و شایعه‌پراکنی می‌شود و منصفان این اق را که از «وضاع نهمت بره‌بریزید» است.

کا اما فاضل سالاری را انتصاب‌های فاضلی در کشور ما یکی، دو تا نیست، همین حالا ایران‌دانشجو در سمت‌های ریاست دانشگاه آزاد، وزارت و نمایندگی شورای شهر حضور دارند، هیچ‌گاه در این زمینه روشنگری کردید؟

صرف ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت نمی‌تواند مورد ایراد باشد، بلکه شاید در یک خانواده‌ای فکر جفر افراد توانمند و شایسته باشند. اشکالی ندار که از اینجا استفاده شود.

کا شما بارها در مقالات سال‌های روز به لزوم دوری روحانیون از قدرت اشاره می‌کردید. این اتفاق امروز چه میزان محقق شده است؟

نمی‌دانم چنین عنوانی را استفاده کرده‌ام یا نه.

کا البته من از روی مقاله شما می‌خوانم؛ یک‌گاه هم گفته بودید که ضرورتی ندارد بعد از جنگ دیگر فرد روحانی مسئولیت‌ها قبول شود. روزی هم اشاره داشتید که رفته رفته بودید مردم علیه جنجال پدران و آقای هاشمی هم بودند و ایشان درباره موضوع عدم حضور روحانیان باید تصمیم می‌گرفتند. اما مناییم و صحنه را ترک کنیم، امثال مطالبی که گفتاه هم برنگرفته اند. تفکر شهید مطهری است، استقلال روحانیت شیعه باید حفظ شود. نقطه قوت روحانیت شیعه این بوده که همیشه مستقل از دولت‌ها بودند. الان همیشه نهفت‌های اجتماعی را شکل داده و شاید شهید مطهری هم بر استقلال روحانیت است این امتیاز روحانیت شیعه باید حفظ شود و دولتی نشود. قدرت در دولت متمرکز شده و به یک اعتبار در مفهوم علمه ولت در برابر مردم قرار می‌گیرد. اما روحانیت باید کنار مردم باشد تا نقد خود را راحت نقد کند. البته شرایط اضطراری متفاوت است.

کا چرا با وجود اینکه امام‌ره) و پدران در برهمه‌ای از تاریخ بعد از انقلاب باوجود حضور روحانیان در قدرت‌های اجرایی کشور بودیم؟

بله، نظر امام خمین روح و روحانیت وارد قدرت اجرایی نشود. اما آقای «هزارگان» آزمایش خوبی ندادند و نتوانستند خودشان را با اسام هماهنگ کنند. تجربه منی «صنیع» هم تجربه خوبی نبود. بعد از تجربه ناموفق افراد غیرروحانی این ایده به میان آمد. که حالا بهتر است افراد روحانی وارد شوند و بعد یک‌دم وارد شدند و متأسفانه ما در دوره «احمدی‌نار» رئیس‌جمهور غیرواحی‌اشتم که نه تجربه

موفقیت داشت.

کا دوجاره بر کردیم به نوشته‌های قلم‌تان در کیهان، یکبار «مصطفی تاجزاده» در نامه‌ی به شما نوشته بود که آنها اخیراً

جانبانی را برای حضور در روزنامه کیهان تحریک می‌کنند و در روزنامه خود برای دفع نفی اصلاحات و شعار علیه رئیس‌جمهور،

این روزنامه را در اختیار شما قرار داده‌اند که شما هم به پاسخ به ایشان گفته بودید که فضا را تنگ نکرده است. از نگاه علی مطهری

این‌طور نبود که آنها بخواهند تنگ کنند. من خودم مطالب را برای کیهان و دیگر روزنامه‌ها می‌فرستادم.

کا خوب آیا آن سال‌ها اصراری داشتید که مطلبتان در کیهان چاپ

اگر ایشان زنده بودند، داستان سفارت آمریکا پیش نمی‌آمد؛ چراکه دیگر ضرورتی برای این کار نبود و فرض کنیم پیش می‌آمد، بدون تردید با طوایف ششمن این کار گروان‌گیری مخالفت می‌کردند. بالاخره تندبزی می‌کردند که این اقدام به ضرر انقلاب تمام نشود و ۲۴۴ روز علیه انقلاب نوایا با تبلیغ نشود. متأسفانه تسخیر سفارت آمریکا به این منجر شد که انقلاب ما از همان ابتدا به‌عنوان انقلابی خشن در جهان معرفی شود؛ یا در داستان بنی‌صدر، بدون‌شک موثر بودند چون ایشان بنی صدر را می‌شناختند و در کتاب «هیفت‌های اسلامی در صحنه‌اسلام» نظری بنی‌صدر درباره رهبری نهضت را نقد کردند. او بهتر از هر کس دیگر تفکر بنی‌صدر را می‌شناخت و از واقع می‌کردند که بنی‌صدر رئیس‌جمهور نشود، حتی در مساله جنگ می‌توانست موثر باشد.

کا اما جنگ که تصمیمی بود و ناگزیر؛ یعنی با حضور ایشان جنگ کوتاه‌تر می‌شد؟

از این جهت می‌گویم که امام به ایشان اطمینان داشت و ایشان به‌صراحت مسایل را می‌گفت و علقه کشیدند به امام داشت و خیر امام و کشور را می‌خواست. اگر احساس می‌کرد اشتباهی رخ می‌کرد، می‌گفت، نه اینکه ملاحظه کند و بخواهد گزارش‌هایی بدهد که صرفاً امام خوشحال شود. ایشان به فکر مصلحت امام و انقلاب بود. برای امام هم هر حرفی داشتند به شهیدمطهری می‌گفتند، چون امام از ایشان می‌پذیرفت.

در فاستان قلم‌مقی آقای منظری می‌اگر ایشان زنده بودند، صورت مساله عوض می‌شد. ای بسا دیگر آقای منظری قلم‌مقام نمی‌شد. نظر من خیلی‌ها این بود که ایشان بر آقای منظری اولی و اصلم بود. به هر حال اجازه نمی‌داد که انگیزه مسایل برای آیت‌الله منظری به وجود آید. بالاخره آقای منظری عالمی بزرگ و مرجع تقلید بود. ایشان به با جگه مرجعیت حساس بودند و به برخی قلابیونتی که فقط از این‌ها تمجید می‌کرد و رباپر مراجع را تحقیر می‌کردند، اعتراضی داشتند.

تاکید داشتند که درست نیست به مراجع بی‌احترامی باید

جایگاه روحانیت به‌طور کلی حفظ شود. خطاب به برخی افراد افراطی می‌گفتند به پیله احترام به امام نباید دیگر روحانیون را پایین بیاورید. این‌طور نشود که حرف برخی مخالفان راست دربیاید که می‌گفتند امام در بین روحانیت استناست، و روحانیت اساساً انقلابی نیست. ایشان تاکید داشتند که امام بزرگ روحانیت را تکريم و حفظ کنیم.

کا و زود همه تاکیدها درباره تکريم جایگاه روحانیت، می‌بینیم که این روایت به برخی از مراجع مورد حمل لیس‌شخصی‌ها قرار می‌گیرد.

چه حمله به بیت مراجع و به حصر، با هر دو اینها مخالقم. ما بدون محاکمه نمی‌توانیم کسی را حصر و زندانی کنیم. این روش درست نیست.

چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۴ بر اساس تری که شهیدمطهری مطرح کردند که نظریه امام خمینی (ره) هم همین بود، در نامه‌ی تاکید کردم که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۴ بر اساس تری که شهیدمطهری مطرح کردند که نظریه امام خمینی (ره) هم همین بود، در نامه‌ی تاکید کردم که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

اگر مستنداتی از مسایل مالی آقای هاشمی در دست دارید، منتشر کنید.

من چنین ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت صحبتی نکردم. منظور این بود که ایشان فرزندان‌شان را در پست‌های

اقتصادی قرار دهند؛ چراکه این امر باعث بدبینی و شایعه‌پراکنی می‌شود و منصفان این اق را که از «وضاع نهمت بره‌بریزید» است.

کا و زود همه تاکیدها درباره تکريم جایگاه روحانیت، می‌بینیم که این روایت به برخی از مراجع مورد حمل لیس‌شخصی‌ها قرار می‌گیرد.

چه حمله به بیت مراجع و به حصر، با هر دو اینها مخالقم. ما بدون محاکمه نمی‌توانیم کسی را حصر و زندانی کنیم. این روش درست نیست.

چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۴ بر اساس تری که شهیدمطهری مطرح کردند که نظریه امام خمینی (ره) هم همین بود، در نامه‌ی تاکید کردم که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۴ بر اساس تری که شهیدمطهری مطرح کردند که نظریه امام خمینی (ره) هم همین بود، در نامه‌ی تاکید کردم که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را اشغال نکنند، مگر اضطراراً امروز آن اضطرار را می‌بینم و همان اضطرار را تائیدی می‌شود. برای اسرار بر حضور هاشمی در انتخابات سال ۹۲ بدون تردید هر عقل سلیمی نمی‌داند که چنین امری در شرایط اضطراری قرار دارد.

اگر مستنداتی از مسایل مالی آقای هاشمی در دست دارید، منتشر کنید.

من چنین ادعایی نداشتیم و املا درباره ایران ایشان هیچ‌وقت صحبتی نکردم. منظور این بود که ایشان فرزندان‌شان را در پ